

بررسی تطبیقی تأثیر ایده‌های معنوی در شکل باغ مطالعه موردی باغ پاسارگاد از دوره هخامنشی و باغ فین از دوره اسلامی

راضیه لیبب زاده*

مهدی حمزه‌نژاد**

محمدعلی خان محمدی***

چکیده

براساس اندیشه رایج، باغ ایرانی در سراسر تاریخ یک هویت ثابت و تداوم یافته دارد، ولی بررسی‌های دقیق‌تر تمایزات کالبدی بارزی را بین نخستین باغ‌های ایرانی (باغ پاسارگاد) و باغ‌های دوران اسلامی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها ریشه در اندیشه‌ها و آرمان‌های پشتوانه آنها داشته باشد. این تحقیق درصدد بررسی این تفاوت‌ها در کالبد و اندیشه و نیز تحقیق در مبانی متفاوت نظری عامل این تمایزات کالبدی است.

هدف این تحقیق آن است که نشان دهد باغ‌ها پیش از آنکه تجلی اقلیم و ادوار تاریخی باشند، جلوه اندیشه‌ها و باورهای آدمیان بوده و ساختار کالبدی باغ‌ها با تغییر اندیشه دینی (آرمان‌ها و باورها) دچار تحولات شگرف شده است. برای دستیابی به هدف فوق، با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسانه (مصادق به مفهوم) تمایزات باغ پاسارگاد با باغ‌های دوران اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا با استناد به اندیشه‌های فکری دو مکتب پیش و پس از اسلام، ریشه این تفاوت‌ها تبیین شود. براساس یافته‌های این تحقیق مهم‌ترین تمایزات کالبدی: (۱) سازمان‌دهی تقسیمات در پلان باغ، (۲) نمادپردازی حرکت آب و (۳) شیب‌بندی زمین و مکانیابی کوشک قابل معرفی است. در طراحی باغ اگرچه شرایط زمین بسیار تعیین‌کننده است، ولی طراحی مسیرهای آب، جایگاه کوشک و چشم‌اندازها می‌تواند کاملاً آگاهانه، نمادین و معناگرا باشد. در سه مقوله فوق عامل معناگرا نقش بارزتری نسبت به عامل زمینه‌ای دارد.

به نظر می‌رسد این تمایزات کاملاً جنبه نمادپردازانه داشته و ریشه در الگوهای بهشت آرمانی در هر مکتب دارند. در این تحقیق تلاش شد تا بخش قابل ملاحظه‌ای از این تفاوت‌ها با بهره‌گیری از «توصیف رابطه آرمانی انسان با طبیعت» در باورهای دو مکتب، مورد شناسایی قرار گیرند.

واژگان کلیدی

باغ ایرانی، بهشت، آرمان، زرتشت، اسلام.

*. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران. نویسنده مسئول: ۰۲۱۷۷۲۴۰۴۶۷

r.labibzadeh@gmail.com

** پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران.

hamzenejad@iust.ac.ir

*** استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

khanmohammadi@iust.ac.ir

مقدمه

باغ یکی از مهم‌ترین فضاهای معمارانه از ادوار کهن در تاریخ ایران بوده است. به گواهی تاریخ، طراحی و اجرای این فضای معمارانه مصنوع و طبیعی همواره مورد توجه پادشاهان و مردمان این سرزمین بوده است. تنوع در طرح‌های بازسازی شده توسط باستانشناسان نظیر آنچه «مسعودی» در مقایسه طرح‌های بازسازی شده از باغ‌های مصری، بابلی، آشوری و هخامنشی آورده است [۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۰۹-۱۱۶-۱۷۰] و نیز حفظ برخی از عناصر در دوره‌های خاص به ویژه سه رکن آب، گیاه و ساختمان که سه جزء ثابت همه باغ‌ها هستند و در هر فرهنگ به گونه‌ای خاص به آنها پرداخته شده است، نشان از ظهور اندیشه‌های اسطوره‌ای و دینی در طراحی باغ‌های ایرانی داشته است.

در مورد نحوه طراحی و شکل‌دهی باغ ایرانی تفسیرات گوناگون و بسیاری وجود دارد^۱. بررسی‌های صورت گرفته علل شکل‌گیری باغ را در طیفی از الزامات کالبدی و اقلیمی، اقتصادی، سکونتی و... تا تأثیر تفکرات اساطیری، اعتقادی و آیینی دربرمی‌گیرد. تلاش شده است تا این دیدگاه‌ها به گونه‌ای گسترده‌تر در خلال مقاله مورد بررسی قرارگیرد. این بحث همچنان محور بحث‌های جدید بوده و در حال بررسی است^۲. در این میان آنچه که بیش از همه و مقدم بر سایر عوامل مورد توجه قرار می‌گیرد، مبانی نظری و اندیشه‌های دینی هر دوره است که بر شکل‌گیری باغ‌های ایرانی به عنوان بهشت عینی و زمینی همواره اثرگذار بوده است.

مکتب اسلام و مجموعه منابع آن تأثیر گسترده‌ای بر معماری ایران زمین داشته است. بررسی‌های تطبیقی و تحلیلی معماری نیایشگاه‌ها، خانه‌ها، شهرها و... در دوره‌های پیش و پس از اسلام، اثرات ورود اسلام و تأثیرات شگرف این مکتب بر اندیشه معماران و طراحان را به خوبی نشان می‌دهد [نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۵۰۹-۳۹۷]. اما تاکنون تحقیقی که اثرات مکتب اسلام را بر تغییر طراحی باغ‌های ایرانی نشان دهد، صورت نپذیرفته است.

با توجه به اندیشه‌های رایج که الگوی باغ ایرانی را از ابتدای تاریخ شکل‌گیری باغ‌های ایرانی تا به امروز یکی دانسته و بدون تغییرات چشمگیر بر یک اساس می‌دانند لازم است تا با نگاهی موشکافانه و دقیق‌تر این مسئله مورد بررسی قرار گیرد و تحولات باغ بهشت ایرانی تحت تأثیر اندیشه‌های دینی بیان شود که به نظر می‌رسد خود مؤثرترین عامل در شکل‌دهی به طرح باغ‌ها بوده است.

متن حاضر تلاشی است در جهت تبیین تأثیر تفکرات دینی در شکل‌گیری باغ‌های ایرانی و بررسی تحولات صورت گرفته در طراحی باغ بهشت ایرانی پیش و پس از اسلام. بدین منظور با بررسی کالبدی باغ‌های ایرانی قبل و بعد از اسلام در سه حوزه تقسیمات پلان، نمادپردازی آب و موقعیت کوشک و جستار در اندیشه‌های دینی دو مکتب، علل اعتقادی در شکل‌گیری باغ‌های هر دوره و مؤثر بر سه مقوله فوق بیان می‌شود. باغ ایرانی پاسارگاد کهن‌ترین نمونه باغ ایرانی پیش از اسلام است که از آن شواهد

باستان‌شناسی و کالبدی باقی‌مانده است. این باغ مهم‌ترین باغ دوره هخامنشی است که می‌تواند به عنوان الگو تلقی شده و مورد تحلیل قرارگیرد. در مورد باغ‌های دوران اسلامی اگرچه تنوع بیشتری وجود دارد ولی باغ فین کاشان را به عنوان یکی از کهن‌ترین و ریشه‌دارترین باغ‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهیم^۳. این دو باغ در گستره زمانی طولانی وجود داشته‌اند و زمانی کافی برای تکامل و ظهور اندیشه‌های متعالی را پشت سر گذاشته‌اند. فرضیه اول این تحقیق آن است که تفکر رایج در ثبوت و تداوم شکل باغ ایرانی مورد تردید بوده و کالبد باغ بهشت ایرانی تحت تأثیر مبانی نظری بعد از اسلام در سه حوزه فوق تحول یافته است. با تغییر تفکرات دینی، تحولات کالبدی علاوه بر سه حیطه مطرح شده در این مقاله، در جنبه‌های دیگر آن نیز رخ داده است که طرح و اثبات آن مجال وسیع‌تر می‌طلبد. معماری باغ بهشت ایرانی در هر دوره بازتاب اندیشه‌های زمان در مورد بهشت آرمانی و تجسم کالبدی زیبا و فرح‌بخش بوده است.

شاخصه‌های کالبدی باغ پاسارگاد و مبانی نظری آن

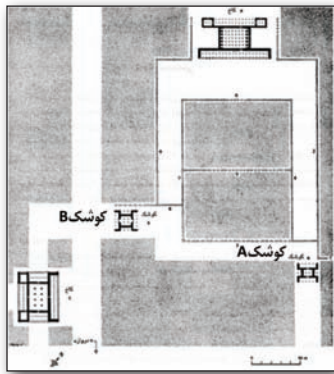
همچنان که مورخین قدیم گفته‌اند کاخ‌های کوروش در میان باغ بزرگ و انبوه از درختان گوناگون و دشتی چمن‌زار و خرم واقع بوده که توسط آبگذرهای متعددی که از رود پلوار می‌آوردند، سیراب می‌شده است. این محوطه سرسبز را بوستان پاسارگاد (باغ سلطنتی) نامیده‌اند. طرح بناهای پاسارگاد تک ساختمان‌هایی^۴ را نشان می‌دهد که از چهار جانب باز و گشاده بوده‌اند و بنابراین محوطه دیدشان می‌بایست چشمگیر و خرم باشد. از همین روی، میان طرح کاخ‌ها و نقشه آبنماهای بوستان و خیابان‌های آن وابستگی دقیقی مشخص شده است.

به گمان ما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مبانی کشف‌نشده فراوانی در پس طراحی این باغ وجود دارد که آن را به ویژه از باغ‌های ایرانی پس از اسلام متمایز می‌سازد و این باغ به عنوان یک باغ معناگرا هنوز کشف نشده است. مهم‌ترین این شواهد را می‌توان به قرار زیر خلاصه کرد:

• سازماندهی تقسیمات در پلان باغ

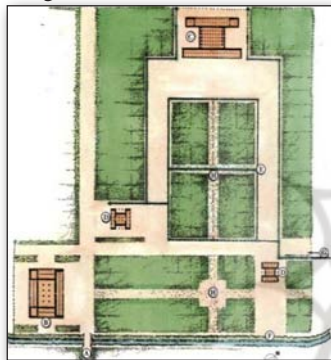
برخلاف نظریه‌های رایج که باغ پاسارگاد را به عنوان اولین نمونه چهارباغ ایرانی معرفی می‌کند، براساس شواهد برجای‌مانده، این باغ از تقسیمات دو قسمتی در پلان برخوردار بوده و از باغی دو بخشی روبروی کاخ اصلی تشکیل شده است (تصویر ۱).

بیانی که ریشه بسیاری از نظریه‌پردازی‌ها درباره هندسه باغ ایرانی و الگوی چهارباغ بوده کاسه سفالی یافته‌شده در سامرا است. روی این کاسه سفالی که تصور می‌رود مربوط به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد باشد، جوی‌های متقاطع ترسیم شده است که چهار قطعه باغ را نشان می‌دهد و در هر قطعه یک درخت و یک پرنده است [منصوری و حیدرنتاج، ۱۳۸۹: ۲۲]. با توجه به بقایای باستان‌شناسی



تصویر ۱. عدم حضور شواهدی از چهارباغ، تقسیمات دوبخشی در پلان باغ پاسارگاد با توجه به حفاری‌های باستان‌شناسی. مأخذ: استروناخ، ۱۳۷۹.

Fig1. Two divisions of the royal gardens of Pasargadae plan, According to archaeological excavations. This picture is not evidence of Chahar Bagh. Source: Stronach, 2000.



تصویر ۲. دومین پلان ترسیمی استروناخ که تحت تأثیر الگوی چهارباغ ایرانی متأخر، باغ پاسارگاد را نیز چهارباغ ترسیم کرده است. در محور جدید هیچ جویی مشاهده نمی‌شود و در شواهد باستان‌شناسی مؤید ندارد. مأخذ: Stronach, 1990: 174.

Fig2. The second plan has been drawn by Stronach. He was impressed with the newly pattern of recent Iranian Chahar Bagh thus has drawn Pasargadae on this pattern. The new axis does not see any waterway, and the archaeological evidences do not confirm this. Source: Stronach, 1990: 174.



تصویر ۳. در راستای محور اصلی کوشک، در مسیرهای آبی باغ، هیچ اتفاقی از قبیل حوض دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد پیشنهاد الگوی چهارباغ استروناخ در این مورد درست نباشد. عدم تأکید بر محور اصلی از مهم‌ترین تمایزات این باغ با باغ‌های دوران اسلامی است. مأخذ: عکس هوایی از باغ پاسارگاد. earth.google.com.

Fig3. In line with the main axis palace, on the waterways of the garden, is not seen any water or waterway or pool and seems that the Stronach Chahar Bagh suggestion is not true. Lack of emphasis on the main axis is important distinction between Pasargad Garden and Islamic gardens. Source: Aerial photos of the Pasargad garden.earth.google.com.

باغ به نظر نمی‌رسد این نمونه بتواند مبنایی برای تصور شکل چهارباغ برای باغ پاسارگاد باشد. براساس شواهد موجود به نظر می‌رسد باغ پاسارگاد تقسیماتی دوبخشی داشته است که توسط یک آبراهه در میانه باغ ایجاد می‌شده است [سکویل وست، ۱۳۴۶]. «استروناخ» که در ابتدا گزینه دوبخشی را مطرح کرده بود به تدریج به دلیل تناقض ایجاد شده با مفهوم چهارباغ، تسلیم شده و حدس و احتمال بی‌پایه چهارباغ را مطرح کرده و می‌گوید: باید اعتراف کنم که در سال ۱۹۷۸ مرتکب اشتباه شدم و فقط براساس آنچه درباره قسمت‌های باقیمانده از آبگذرهای سنگی می‌دانستم، احتمال دورنمای طولی و مرکز را نادیده انگاشتم و حدس زدم که هسته باغ اندرونی باید از دو مستطیل کاملاً برابر تشکیل شده باشد که به وسیله مجاری متقاطع تقسیم شده‌اند (تصویر ۲). مشخص است که امتداد مرکزی آبگذرهای ۳ و ۵ و ۶ در اثر شخم زدن زمین در دوره‌های بعد به کلی از بین رفته و یا اصلاً وجود نداشته‌اند. شک احتمال دیگر نیز وجود دارد که مجرای سنگی محور طولی را تشکیل می‌داده که آبگذر ۳ و ۶ را به هم مربوط می‌کرده است [استروناخ، ۱۳۷۰: ۶۰].

«منصوری» در مقاله نقدی بر الگوی چهارباغ این احتمال را مطرح کرده که ممکن است استروناخ تحت تأثیر واژه چهارباغ قرار گرفته لذا حکم بر چهارقسمتی بودن پلان باغ داده باشد در حالی که تکیه بر شواهد موجود نشان از دو قسمتی بودن پلان باغ دارد و سندی در دست نیست که احتمال شخم زدن زمین و از بین رفتن آب گذر را تأیید کند [۱۳۸۹: ۲۴].

در اینجا برخلاف آنچه که به عنوان چهارباغ و هندسه تشکیل دهنده آن شناخته می‌شود، حوض در تقاطع اصلی محورها (حتی براساس فرضیه تفسیر چهارباغی استروناخ) نقش کلیدی نداشته و از حوض‌های کوچک که در تقاطع مسیرهای جوی‌های آب تعبیه شده نیز در اینجا شواهدی نیست و این سبب می‌شود شباهتی به الگوی چهارباغ و حوض میان آن در باغ فین نبینیم (تصویر ۳). احتمال موجود در چهاربخشی بودن باغ پاسارگاد با توجه به اعتقاداتی که باغ را تصویری از بهشت بر زمین می‌دانستند و توصیفات موجود در خصوص چهارقسمتی بودن بهشت در متون کهن دینی وجود دارد. نظیر اعتقادات ایرانیان مبنی بر تقسیم بهشت به چهارقسمت که معمولاً چهار رودخانه بزرگ آنها را از هم جدا می‌کنند [آبربی، ۱۳۳۶: ۴۰۳]. «آبربی» اگرچه سند تقسیم چهاربخشی رودخانه‌ها را از انجیل نقل می‌کند، اما هیچ شواهدی از اندیشه ایرانیان در متون کهن ایرانی ذکر نمی‌کند. به نظر می‌رسد در ادیان ابراهیمی سند قویتری برای بیان تقسیمات چهاربخشی وجود داشته باشد. همچنین در توصیف بهشت در اوستا از چهارطبقه در آن نام برده شده است و در شرح سفر ویراف به بهشت آمده است. ولی به نظر می‌رسد ظهور چهارباغ بهشت ویراف در اوستا^۶ نمی‌تواند ریشه‌ای برای باغ‌های چهاربخشی باشد. آن چهار بهشت و چهار مرحله، چهار طبقه‌اند که مراتب گوناگون طولی دارند و

درعین حال این پژوهش با توجه به عدم وجود شاهد باستان‌شناسانه و حتی یک مظهر بزرگ وحدت‌گرایی و عدم نگاه زیبایی‌شناسانه به برخی مظاهر طبیعت (همچون آب) را برخاسته از نوع نگاه معنوی و قدسی آنها می‌داند.

این نکته بسیار حائز اهمیت است که حتی در باغ‌های کهنتری همچون بابل میتوان مظاهری از جلوه‌پردازی با آب را مثال زد. آنچه که در این باغ رخ داده منحصر به فرد و کم‌نظیر است و هرگز در باغ‌های بعد از اسلام دنبال نشد.

• نمادپردازی حرکت آب

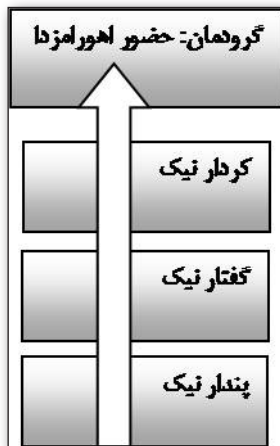
شکی نیست که آبراهه‌های متعددی از رود پلوار به سوی دشت کشیده بودند، اما آثارشان را به زحمت می‌توان تشخیص داد [مسعودی، ۱۳۸۸: ۴۵]. بنا به نظر «استروناخ» منبع اصلی آب پاسارگاد در خارج از مجموعه قرار داشته و آب تزئینی در جوی‌های کم‌عرض به ابعاد حدود ۲۵ سانتیمتر در جریان بوده و حوض‌هایی به ابعاد حدود ۸۰ × ۸۰ × ۸۰ سانتیمتر در مسیر آنها وجود داشته است که ممکن است برای رسوب و گل و لای جوی‌های کم‌عمق طراحی شده باشد. آشکارا فقدان حوض مرکزی و حتی حوض جلوی کوشک مشهود است. «مسعودی»، احتمال استفاده از این جوی‌ها برای آبیاری را کاملاً مردود دانسته است: اما براساس مدارک معتبر می‌توان به مسئله جدا بودن آب تزئینی از آب مورد نیاز برای آبیاری مجموعه اذعان داشت. در باغ پاسارگاد آب تزئینی (یا نمادین) و آب کاربردی مسیرهای متفاوتی دارند. در جریان آبیاری باغ، آنچه مشخصاً در مورد کارکرد آب می‌توان عنوان کرد غرقاب باغچه‌ها است. بدین منظور آب باید از مسیرهایی بگذرد که در حاشیه خود این امکان را فراهم آورد. لبه‌های حوض‌های تزئینی نشان می‌دهد که از آن برای غرقاب کردن باغچه‌ها و در نتیجه سیستم آبیاری استفاده نمی‌شده و جنبه اسطوره‌ای داشته‌اند [۱۳۸۸: ۱۲۴].

درخصوص جنبه اسطوره‌ای آب در باغ ایرانی نظریه‌های مختلفی وجود دارد که همگی دلالت بر قداست آب و نقش برجسته آن در اعتقادات ایرانیان داشته است.^{۱۱}

باغ، یک ورودی آب و سه خروجی دارد که خروجی‌ها از کنار کاخ‌ها می‌گذرد و به شهر می‌رسد. تقسیم‌بندی حرکت نهرها بسیار حساب‌شده تنظیم شده و چه‌بسا شیب‌بندی جوری تنظیم شده که بتواند چنین مسیری از آب ایجاد شود (تصویر ۵). عرض آبراهه‌ها حدود ۲۵ سانتیمتر است. به طوری که حتی نمی‌شود برخی استفاده‌های کارکردی-تفریحی همچون پاگذاردن و قدم‌زدن در آن را مطرح کرد. به نظر می‌رسد از جوی‌های آب برای دستیابی به هندسه مورد نظر در باغ و دستیابی به نظام تقسیم دوتایی استفاده شده است و همچنین حضور آب در باغ را مقدس داشته با این حال این کم‌عرضی جوی‌ها ریشه در مبانی نظری قداست‌گرایانه آب دارد. به طوری که آب نباید آلوده شود^{۱۲} و در معرض هوا قرار گیرد،

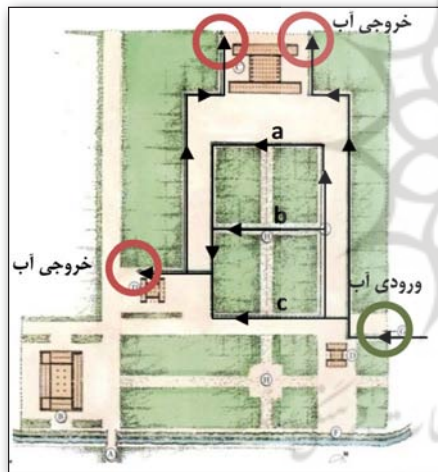
احتمالاً اگر بخواهند بازسازی شوند باید باغی سه یا چهار مرحله‌ای (براساس متن ارداویرافنامه) ایجاد میشده که چنین‌الگویی اگرچه در مفاهیم عرفا و فیلسوفان اسلامی هم مطرح است^{۱۳}، اما هرگز تجلی کالبدی نیافت. بهشت ارداویراف‌نامه سه طبقه مهم مربوط به تثلیث نیکی‌های زرتشتی: گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک دارد و پس از آن طبقه حضور الهی را قرار می‌دهد که می‌توان به جای چهارباغ آن را ۳+۱ معرفی کرد (تصویر ۴).

تحقیقات اخیر این تقسیمات چهارگانه را به گونه‌ای متمایز در باغ ایرانی جلوه‌گر می‌بیند. در بین پژوهشگران معاصر، تحقیقات «مهبوش عالمی» و بازخوانی «ارشادالزراعه» توسط ایشان نظریه دیگری را در زمینه الگوی چهارباغ مطرح می‌کند که بر تک‌محوری بودن باغ و طرح چهارباغ تأکید دارد و نه دو محوری بودن آن. این محقق ضمن تأکید بر مفاهیم دوتایی در اعتقادات زرتشتیان مبنی بر دو قسمتی بودن جهان^{۱۴} (که با بقایای باغ پاسارگاد هماهنگی بیشتری دارد) این نظریه را مطرح می‌کند و می‌گوید: وقتی ارشادالزراعه را خواندم، به فکر افتادم شکل آنچه را توصیف شده است ترسیم نمایم. بعد از ترسیم شکل آن متوجه برخی تفاوت‌ها در تصور از چهارباغ گردیدیم. به نظر می‌آمد اصلاً لزومی ندارد که در چهارباغ حتماً دوتا محور وجود داشته باشد که همدیگر را قطع کنند تا بتوانند چهار رودخانه بهشت را تداعی کنند. درست است که اینها به صورت مفاهیم نمادینش مطرح می‌شوند، اما به این صورت به نظر نمی‌رسد که این نماد به این شکل واقعی نزدیک باشند. «هروی» در ارشادالزراعه به یک شاهجوی اشاره می‌کند. شاهجوی یعنی جوی اصلی. او نمی‌گوید دو شاهجوی بلکه به یک شاهجوی اشاره دارد. این دید که چهارباغ باید حاصل تقاطع دو خیابان باشد بسیار گفته شده، اما ارشادالزراعه مفهوم چهارباغ را خیلی ساده بیان می‌کند. چهارباغ یعنی باغ بزرگ؛ مسئله عدد چهار در چهارباغ مثل عدد چهل در چهل ستون است. لزومی ندارد که حتماً همان عدد باشد. ۴ و ۴۰ هر دو معنی زیاد و بزرگ می‌دهد [عالمی، ۱۳۸۵: ۴۰-۳۹]. با این همه آن مسیر اصلی که ارشادالزراعه می‌گوید و در همه باغ‌های ایرانی وجود داشته و در محور اصلی کوشک باید باشد، در باغ پاسارگاد وجود ندارد و فقدان آن بدون شک به مفهومی بازمی‌گردد که امروزه هنوز برای ما روشن نشده است. اساساً به خاطر تاب داشتن زمین که در ادامه به آن اشاره شده است، چنین جویی نمی‌توانسته وجود داشته باشد و این همه آگاهانه صورت گرفته است. به نظر می‌رسد جنبه قداست آب و گیاه در این باغ آنقدر بالا بوده که مجالی برای نگرش زیباشناسانه به آنها (به ویژه آب) باقی نمی‌گذاشته است. نگرش قداست‌گرایانه به طبیعت احتمالاً سبب شده با نگرشی غیرمکثرانه، به عدم ظهور جنبه‌های زیباشناسانه توجه کرده باشند. البته امروزه اثری از وحدت‌گرایی در این باغ باقی نمانده است. اگر بین قداست‌گرایی هخامنشی و وحدت در آن ضرورتی باشد، در صورت وجود، آن مظهر وحدت احتمالاً در محور اصلی و در مهم‌ترین جای ظهور آن بوده است.



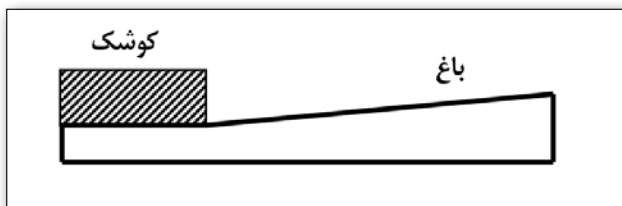
تصویر ۴. در اوستا بهشت در ساختاری چهار (۱+۳) مرتبه‌ای به شکل فوق در سفر ویراف توصیف شده است. حکمای اسلامی همین ساختار را با تغییر جایگاه کردار و پندار (لایه یک و سه) پذیرفته‌اند. مأخذ: نگارندگان.

Fig4. In Avesta, paradise is described on the four levels structure (3+1) in Viraf trip. Islamic philosophers have accepted this structure but changed the position of thought and act (1 and 3 level). Source: Authors.



تصویر ۵. تنظیم مسیر حرکت آب و ورود و خروج آن به نظر کاملاً نمادین می‌آید. موقعیت کوشک به عکس باغ‌های دوران اسلامی در موقعیت خروجی آب قرار دارد. آب در سه جوی موازی (a,b,c) در میانه باغ با شیب و سرعت‌های متفاوت در یک جهت حرکت می‌کند. پلان ترسیمی استروناخ، ترسیم محور جدید به صورت خط چین. مأخذ: Stronach, 1990.

Fig5. Path planning of water and entry and exit point of it, it is very symbolic. Palace's position is on the water exit path against Islamic era garden. Water flows in three parallel waterways (a, b, c) in the middle of the garden with different slopes and speeds. The plan has been drawn by Stronach. Source: Stronach, 1990.



تصویر ۶. براساس مسیر حرکت آب، کوشک در پایین‌ترین جای زمین قرار گرفته است. مأخذ: نگارندگان.

Fig6. According to water flow, the palace is at the lowest place on Earth. Source: Authors.

به همین جهت هرچه بیشتر در آبراهه‌های محدود و کم‌سطح جاری بوده است [شاهچراغی، ۱۳۸۷: ۱۰۱]. اما به نظر می‌رسد عدم وجود این حوض‌ها و محدودیت جوی‌ها و مسیربندی ویژه آنها در این باغ به این صورت که آب به سمت کوشک رفته از مقابل آن حرکت کرده و دوباره از آن دور می‌شود، به بنیان‌های نظری برمی‌گردد که هنوز برای ما کشف نشده باقیمانده است و به‌هرحال این الگو نیز با تحولات فرهنگی بعدی کاملاً دگرگون شد و در تاریخ باغ‌های بعدی هرگز تداوم نداشت.

• شیب‌بندی زمین و مکانیابی کاخ

برای تشخیص شیب‌بندی زمین و موقعیت قرارگیری کوشک‌ها بهترین روش بررسی مسیر حرکت آب است. با توجه به جهت حرکت آب، کاخ در مرتفع‌ترین جای زمین قرار نگرفته، بلکه زمین دارای دو جهت شیب است و کاخ‌ها در پایین‌ترین جای شیب‌بندی زمین قرار گرفته‌اند (به عکس باغ‌های بعد از اسلام^{۱۳}) گویی باغ نمایشی از عالم غیب و ملکوت بوده و کاخ شاه در پایین‌ترین جای آن واسطه خدا و مردم است و آب از کنار قصر او به مردم می‌رسد. از نکات عجیب زمین این باغ که نمی‌تواند اتفاقی باشد، تفاوت شیب عرضی زمین در بالا و پایین آن است (اصطلاحاً زمین تاب دارد با توجه به مسیر حرکت آب) و این سبب می‌شود که زمین در میانه آنها نتواند شیب‌دار باشد و جوی میانی بی‌جهت باشد (همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد) و طبیعتاً فرضیه استروناخ مبنی بر الگوی چهارباغ در پاسارگاد کم‌رنگ‌تر می‌شود. حتی اگر چهارباغ را یک شکل مثالیین بدون شک محور اصلی از ضروریات این شکل مثالیین است که در این نمونه هیچ ظهوری ندارد و به همین جهت حتی فرضیه الگوی مثالیین تطابق یافته نیز در مورد این باغ قابل پذیرش نیست.

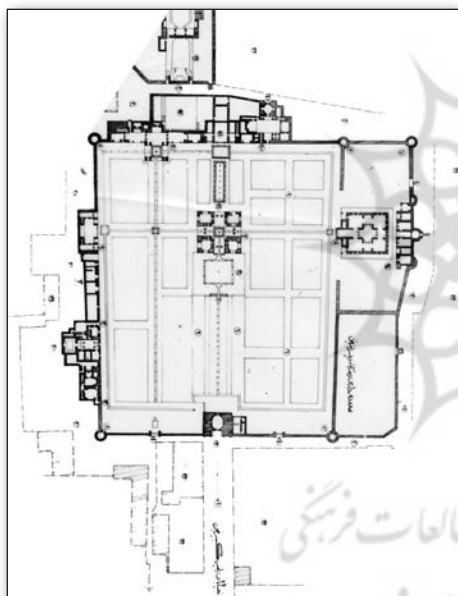
در پاسارگاد باغ بالاتر از کوشک به عنوان جایگاه والای بهشت بوده است. آب قداست داشته و در بهشت ایرانی نمود داده شده و با عرض کم جوی‌ها از آلودگی آن ممانعت به عمل آمده است. کوشک که جایگاه پادشاه است، واسطه بین مردم، آب و باغ بهشت است و این موضوع می‌تواند ریشه در اعتقاد به وجود پادشاه به عنوان انسان کامل و جانشین اهورامزدا بر روی زمین باشد.^{۱۴} این شاخصه نیز از ویژگی‌های منحصر‌بفرد این باغ است که به نوعی بر تواضع شاه نسبت به بهشت و عالم غیب الهی و خود را پایین‌تر از بهشت طبیعت دیدن دلالت دارد، نمونه‌ای که کمتر در الگوهای بعدی مشاهده می‌شود (تصویر ۶).

بررسی تداوم یا عدم تداوم شاخصه‌های باغ پاسارگاد در باغ فین و دلایل انقطاع

باغ فین کاشان در شمار اولین باغ‌های ایرانی طراحی شده در زمان پس از اسلام است، بنابراین یک نمونه قابل ارزیابی از اثرات اسلام بر طراحی باغ‌های ایرانی است.^{۱۵} باغ فین (تصویر ۷) همانند

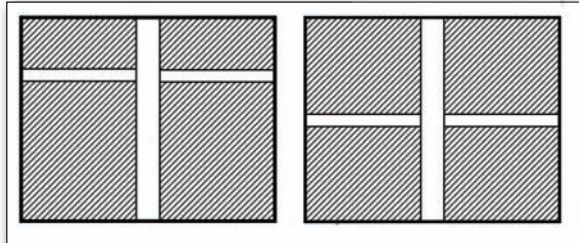
خاص داشته است [۱۳۱۷: ۳۴-۴۰۶]. او به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در تفسیر سوره مذکور اشاره می‌کند^{۱۶} که براساس آن می‌توان جریان آب در باغ و حرکت آن در چهار جهت را تمثیلی از چهار نهر بهشتی دانست که در باغ ایرانی بکارگرفته شده است [انصاری و محمودی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۴]. این شاخصه اشاره به جوشش از وسط و حرکت چهار نهر متفاوت به چهارسو دارد که در برخی باغ‌های دوران اسلامی مثل کاخ الحمراء اسپانیا (تصویر ۹) به شکلی نمادین ظهور یافته است [گروتز، ۱۳۷۵: ۴۱۶].

- الگوی چهارباغ بهشتی قرآن در سوره الرحمن در قرآن در سوره الرحمن که به عروس قرآن مشهور است و بهترین توصیفات بهشت در آن مطرح شده ساختار بهشت را به صورت چهارباغ با شکل ویژه «دو باغ درون دو باغ» معرفی کرده است. در این سوره تقسیمات دوبرخی، گستردگی بیشتری دارد و بسیاری



تصویر ۷. پلان باغ فین کاشان. مأخذ: عمرانی، ۱۳۸۶.

Fig7. Plan of the Fin Garden in Kashan. Source: Omrani, 2007.



تصویر ۸. سمت راست: فرضیه‌ای از شکل کلی چهارباغ سوره الرحمن (آیات ۴۶ و ۶۲): (دو باغ درون دو باغ) سمت چپ: شکل کلی تقسیم‌بندی باغ فین کاشان. این فرضیه تاحدودی با مدل کلی چهارباغ ایرانی مشهور (به طور مثال باغ فین) قابل جمع است. مأخذ: نگارندگان.

Fig8. Right: The overall hypothesis of the Chahar Bagh in Alrahman chapter of the Quran (46&62); (two gardens in two gardens) left: The General form divisions of Fin Garden in Kashan. This assumption is somewhat to be collected with popular general model of the Persian Chahar Bagh (Garden of Fin, for example). Source: Author.

بسیاری از باغ‌های ایرانی پس از اسلام، با محورهای عمود بر هم- محورهای اصلی و محورهای فرعی- تقسیم‌بندی شده و دیواری پیرامون آن را احاطه کرده است. این باغ از جنبه‌های بسیاری می‌تواند تأثیر نمادپردازی قرآن از بهشت را مجسم سازد. در عین حال تمایزات کالبدی مطرح در نوشتار حاضر را با الگوی باغ ایرانی قبل از اسلام به خوبی تبیین می‌کند.

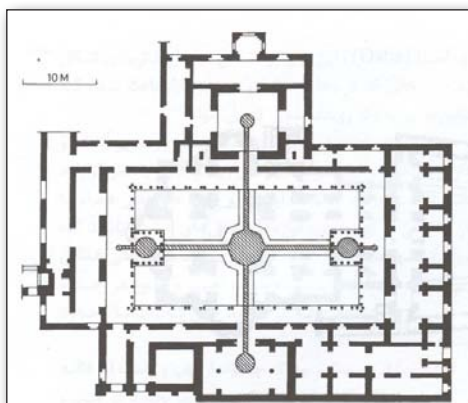
• سازماندهی تقسیمات در پلان باغ

در طراحی اولیه باغ، حفظ تقارن اهمیت ویژه‌ای داشته است. الگوی اولیه باغ مطابق نقشه‌های موجود توسط مسیرهای اصلی آب به چهار بخش تقسیم شده است و دو بخش بالا و دو بخش پایین با یکدیگر قرینه هستند. سازماندهی تقسیمات در این دوره به الگوی مشهور چهارباغ نزدیک‌تر است و محورهای حرکتی در آن قوی طراحی شده‌اند. درخصوص تقسیم‌بندی پلان باغ‌های ایرانی به چهار قسمت تفاسیر مختلفی وجود دارد. مبانی بکارگیری هندسه چهاربخشی در پلان باغ فین با برخی تفسیرهای الگوی بهشت قرآنی مطابقت دارد.

- توصیف باغ بهشت در قرآن

باغ بهشت در قرآن علاوه بر توصیف کلی حتی با دقیق‌ترین جزئیات معرفی شده است. در یک توصیف کلی، بهشت دو باغ بزرگ موازی با هم را یادآور می‌شود که در هر کدام از این باغ‌ها، دو باغ کوچک‌تر قرار دارند. تعداد کلی باغ‌های چهارگانه و باغ‌های کوچک‌تر یادآور طرح چهارباغ و مدوله شدن آن در باغچه‌های کوچک‌تر است (تصویر ۸).

در قرآن کریم نهرهای چهارگانه بهشتی وصف شده است که اساس هندسی باغ ایرانی به صورت چهارباغ (چهار نهر) و چگونگی معماری و مسیر آب در آن است. در سوره محمد آیه ۱۵، این چهار نهر با عناوین نهرهایی از آب زلال، شیر، عسل و شراب ذکر شده‌اند و در توصیف سفرنامه‌نویسان مشهوری مانند «ابن بطوطه» از باغ‌های سرزمین‌های اسلامی و ایده‌های بهشتی آن، بازتابی



تصویر ۹. چهارنهر با جوشش از وسط و جریان به چهار سو در کاخ الحمراء. مأخذ: گروتز، ۱۳۷۵.

Fig9. Four waterways that stream to the four sides in Alhambra palace. Source: Grouter, 1996.

جدول ۱. تقسیمات دو بخشی سوره الرحمن. مأخذ: نگارندگان.

تعبیر قرآنی در سوره الرحمن	دو گانه‌ها
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)	جمال و جلال وجه خدا
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ (۳۳)	جن و انس (دو مخاطب اصلی خداوند)
رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)	پروردگار دو مشرق و دو مغرب
الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانِ (۵)	خورشید و ماه
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)	گیاهان ساقه‌دار و بی‌ساقه
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)	دو دریای تلخ و شیرین آمیخته
مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)	از هر میوه‌ای دو نوع
وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ (۴۶)	دو باغ بهشت اصلی
وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٌ (۶۲)	دو باغ بهشت فرعی

از بخش‌های هستی به صورت زوج‌های دوگانه معرفی شده‌اند که ریشه آنها به صفات دوگانه جمالی و جلالی الهی برمی‌گردد (جدول ۱). مهم‌ترین دوگانه‌های این سوره عبارت است از: تمایزات دقیق دو باغ اول و دوم به بهترین شکل در آیات سوره الرحمن بیان شده و مهم‌ترین این تمایزات را می‌توان در موارد زیر معرفی کرد (جدول ۲).^{۱۷}

• نمادپردازی حرکت آب

به گمان ما تمایز بارز بین نمادپردازی حرکت آب در پاسارگاد و باغ فین نشان از تفاوت ایده‌های اولیه آنها دارد و از آنجا که بین توصیف قرآنی بهشت و باغ فین نزدیکی‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود،

جدول ۲. تفاوت دو باغ اول و دو باغ دوم بهشت متقیان در قرآن. مأخذ: نگارندگان.

تعبیر	دو باغ دوم	تعبیر	دو باغ اول	
مُدْهَامَاتَانِ (۶۴)	سبز انبوه	ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (۴۸)	درختان پرتنوع یا پر شاخسار	گیاهان
عَيْنَانِ نَضَّخَتَانِ (۶۶)	دو چشمه جوشان و فوران کننده	عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)	دو چشمه جاری	آب
فَاكِهَةٍ وَنَخْلٍ وَرُمَّانٍ (۶۸)	درخت میوه- نخل و انار	فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲) وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ (۵۴)	از هر میوه دونوع و همیشه در دسترس و نزدیک	میوه
خَيْرَاتٍ حِسَانٍ (۷۰) مَقْصُورَاتٍ (۷۲)	پنهان از چشم دیگران (پاسخ غیرت مردانه)	قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ (۵۶)	بدون توجه به دیگران و تنها متوجه فرد خاص (پاسخ غیرت زنانه)	حوریان
رُفْرِفٍ خَضْبٍ وَعَيْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷۶)	پارچه‌های سبز زیبا و لطیف (زیبایی آشکار)	بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ (۵۴)	آسترهایی از ابریشم (زیبایی پنهان)	تکیه‌گاه‌ها
	برتری ویژگی‌های جمالی		برتری ویژگی‌های جلالی	جمع‌بندی

۹/۸۲

عملکردی و حیاط‌بخشی که در آبیاری گیاهان دارد، نقش بارزی را در زمین‌آرایی و ایجاد صفا در باغ و همچنین ایجاد اصوات دلپذیر به عهده می‌گیرد [میرفندرسکی، ۱۳۸۰: ۷]. در ساختار بهشت عنصر آب به چهار صورت حضور می‌یابد:

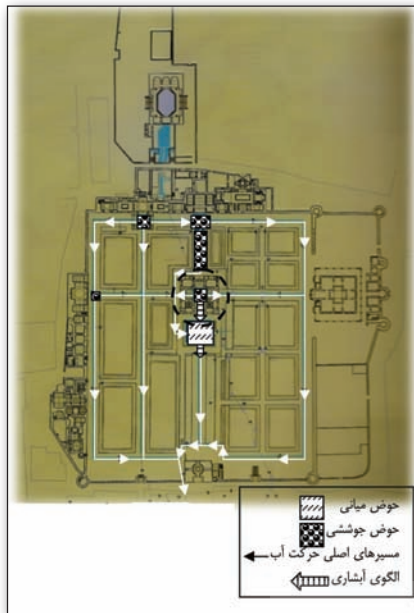
۱. حضور آب در نهرهای بهشتی (جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، بقره: ۲۵)
۲. حضور آب در چشمه‌های بهشتی (فَقَلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا، بقره: ۶۰)
۳. حضور آب در آبشارهای بهشتی (وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ، واقعه: ۳۱)
۴. حضور آب در حوض‌های بهشتی (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ^{۱۸}، کوثر: ۱)

[انصاری، محمودی نژاد، ۱۳۸۵: ۴۴]

در باغ فین آب به هر چهار صورت حضور دارد، در حالی که در باغ پاسارگاد جز جویی بسیار محدود چیزی دیده نمی‌شود. البته می‌توان بسیاری از این تفاوت‌ها را ناشی از تفاوت در موقعیت، زمینه، اقلیم و شرایط محیطی دانست. با این حال در طراحی باغ‌های سلطنتی بهترین شرایط محیطی و وجود قابلیت‌های طبیعی فوق‌العاده (مانند چشمه، شیب زمین و...) معمولاً در انتخاب زمین

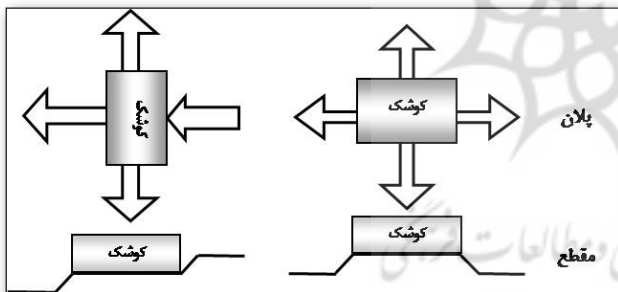
می‌توان ریشه شکل این باغ را در الگوی مثالین بیان شده در قرآن دانست. نباید از نظر دور داشت که الگوی باغسازی ساسانی هم شباهت‌هایی با الگوی باغسازی دوران اسلامی دارد و چه بسا برخی از ایده‌ها به خاطر شباهت در الگوهای مثالین آنها به تداوم الگوی ساسانی انجامیده است.^{۱۸} که البته هدف این مقاله نشان دادن تمایز مبانی اسلامی و هخامنشی بهشت‌ها و مظاهر آنها در باغ‌ها است. با این توصیف مظاهر قابل توجهی از نهرها، حوض‌ها و... بهشتی در باغ فین قابل مشاهده است.

آب در باغ فین به صورت‌های آبشاری، جوششی، جریانی و در حوض میانی حضور دارد. مسیرهای آب که در محورها باغ حضور دارند چندان عریض نیستند، اما عرض آنها حدود ۲ تا ۳ برابر جوی‌های باغ پاسارگاد است. این جوی‌ها دورتادور باغ می‌گردند (تصویر ۱۰). آب در اینجا در نقطه‌ای ظاهر می‌شود که بتواند سراسر باغ را آبیاری کند و بنابراین از موقعیت مربوط به شیب تبعیت می‌کند. حوض میانی به دلیل تکمیل نظام آبیاری باغ و همچنین ایجاد نظم هندسی باغ تعبیه شده است.^{۱۹} آب علاوه بر نقش



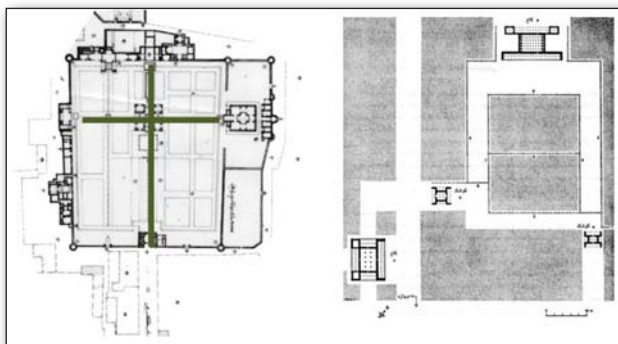
تصویر ۱۰. نحوه گردش آب در باغ فین کاشان، آب از کوشک به سه طرف جاری است و تا حدودی ایده جنات تجری من تحتها الانهار (بقره: ۲۵) قرآنی را تداعی می‌کند. مأخذ: عمرانی، ۱۳۸۶.

Fig10. How water circulates in Fin Garden of Kashan. Water flows in three sides of the palace, and remembers the idea of Quran: The paradises that waterways flow under them (Baqara: 25). Source: Omrani, 2007.



تصویر ۱۱. مقایسه الگوی کوشک و آب در بهشت قرآن (سمت راست) و باغ فین (سمت چپ). مأخذ: نگارندگان.

Fig11. Comparing patterns of water and palace in Quran Paradise (right) and Fin Garden (left). Source: Authors.



تصویر ۱۲. تقسیمات متفاوت پلان باغ ایرانی قبل و بعد از اسلام به هیچ روی تداوم قابل توجهی را از این بُعد نشان نمی‌دهد. مأخذ: استروناخ، ۱۳۷۹ و عمرانی، ۱۳۸۶.

Fig12. Different divisions of pre-Islamic Persian garden plan and Islamic Persian garden plan do not display any continuing about divisions in two eras. Source: Stronach, 2000 & Omrani, 2007.

مدنظر قرار می‌گیرد و محدودیت‌ها را نمی‌توان تعیین‌کننده دانست. در عین حال نزدیک بودن شکل‌های کالبدی و ایده‌های معنوی می‌تواند فرضیه تأثیر وجوه مُثلی در شکل‌بخشی به باغ‌های دوران اسلامی را تقویت کند.

• شیب‌بندی زمین و مکانیابی کاخ

در باغ فین، کوشک اصلی در یک‌سوم بالای باغ قرار گرفته و محل تقسیم آب به سه طرف نیز متمایل است. آب از کوشک به باغ جاری است و محوربندی و هندسه باغ را تقویت می‌کند. کوشک در بالاترین جای زمین قرار گرفته و ایده جنات تجری من تحت الانهار (بقره: ۲۵) قرآن را بازنمایی می‌کند.

در الگوی بهشت قرآنی، کوشک‌ها (غرفه ۲۲های بهشتی) بر صفیهایی قرار داده شده‌اند (زمر: ۳۰ و عنکبوت: ۵۸) تا هم بر کوشک تأکید شود و هم بهشتیان بر آن به نظاره باغ بنشینند. همشینی آب و کوشک، در حالات مختلف می‌تواند تصور شود. اما براساس آیات، بهترین گزینه می‌تواند عبور آب از سطوح زیرین کوشک باشد و حرکت آن در چهار جهت و چهار جوی، تمثیلی از چهار نهر بهشتی است که در باغ ایرانی به‌کار گرفته شده است (تصویر ۱۱).

در باغ فین کوشک شاه عباسی که در تقاطع محور اصلی و فرعی، کل باغ را به چهار قسمت تقسیم کرده، به این الگوی قرآنی نزدیک است، چون آب از آن به سه طرف جریان دارد، طبق مقاطع موجود در بلندترین نقطه باغ واقع است. این بلندترین نقطه گاه در وسط و گاه (در صورت عدم امکان) در منتهی‌الیه باغ قرار داشته در حالی که در باغ پاسارگاد چنانکه در بالا بیان شد، کوشک اصلی در پایین‌ترین نقطه قرار دارد که آب به سمت آن جریان دارد و با گذر از کناره‌های آن با فاصله‌ای قابل توجه از باغ خارج شده به سمت شهر ادامه پیدا می‌کند.

مقایسه تطبیقی الگوی باغ ایرانی قبل و بعد از اسلام

مقایسه تطبیقی دو الگوی باغ در شاخصه‌های کالبدی که در بالا بیان شد؛ فرضیه تداوم الگوی باغ ایرانی را مورد تردید قرار می‌دهد و همچنان که شرح آن رفت این تمایزات ریشه در باورهای آرمانی دو مکتب دارد.

تقسیمات دوبخشی باغ پاسارگاد شواهد موجود و نیز براساس نقدهایی که بر فرضیه چهارباغ بودن آن مطرح شده است^{۲۳}، با الگوی چهاربخشی باغ‌های ایرانی پس از اسلام تفاوت داشته و بنابراین نمی‌توان الگوی چهارباغ را به دوران هخامنشی در قبل از اسلام و باغ پاسارگاد نسبت داد (تصویر ۱۲). در واقع چنین به نظر می‌رسد که پس از ورود اسلام و با تکیه بر مفاهیم قرآنی تقسیمات چهاربخشی در پلان باغ‌های ایرانی ظهور پیدا کرده است و در دوران قبل از اسلام و از جمله دوران هخامنشی اندیشه‌های دینی رایج، خالق بهشت زمینی مردمان این سرزمین بوده است. اندیشه‌هایی که امروز به وضوح برای ما مشخص نیست.

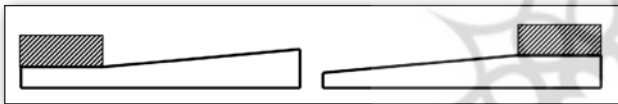


تصویر ۱۳. نمادپردازی متفاوت حرکت آب، سمت راست: آبراهه باغ پاسارگاد با عرض ۲۵ سانتیمتر، وسط و سمت چپ: آبراهه‌های حدود یک متر و حوض مقابل کوشک در باغ فین. مأخذ: عمرانی، ۱۳۸۶ و www.pasargadae.ir.

Fig13. Different Symbolization in the water move, right: 25 cm wide channel in Pasargadae garden, middle and right: the 1 meter wide of waterways in front of the palace garden of Fin. Source : Omrani, 2007 & www.pasargadae.ir.

تصویر ۱۴. تفاوت در موقعیت قرارگیری کوشک، سمت راست باغ‌های دوران اسلامی (باغ فین) و سمت چپ باغ پاسارگاد. مأخذ: نگارندگان.

Fig14. The different position of palace. Right: the gardens of the Islamic era (Fin Garden). Left: the Pasargadae garden. Source: Authors.



در تمام باغ‌ها و اکثر حیاط‌های داخلی مربوط به معماری ایران مشاهده می‌شود [۱۳۸۸: ۵۳]. باید گفت اگرچه در زمان ساسانیان بکارگیری حوض مرکزی و کاربرد تزئینی آب رواج یافت، با این حال می‌توان تداوم این ایده را در باغ‌های دوران اسلامی به دلیل نزدیکی آن با الگوی بهشت قرآنی و اسلامی (همان‌طور که در بالا بیان شد) دانست که مشحون از بیان کاربرد آب در قالب‌های گوناگون (چشمه، نهر و...) است.

در بیشتر باغ‌های ایرانی پس از اسلام کوشک در بالاترین نقطه شیب قرار می‌گیرد تا هرچه بیشتر توصیف قرآن از غرف بهشتی را تداعی کند. در باغ پاسارگاد چنانچه از کاوش‌های باستانشناسی که مسیر ورود و خروج آب را بازسازی کرده‌اند چنین برمی‌آید که کوشک در پایین‌ترین نقطه از شیب قرار گرفته است (تصویر ۱۴). باغ پاسارگاد به لحاظ خصوصیات شیب‌بندی بسیار جالب توجه و بحث‌برانگیز است که خود نوشتار مستقلی می‌طلبد. بنابراین در این مورد نیز باغ ایرانی در دو دوره هخامنشی و پس از اسلام متفاوت بوده و تداوم نداشته است.

همچنین در دوره اسلامی کاربرد آب تزئینی کاملاً با آنچه در باغ‌های باقیمانده از دوره هخامنشی (حداقل در باغ پاسارگاد به عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین باغ ایرانی باقیمانده پیش از اسلام) وجود دارد متفاوت است. باغ‌های ایرانی در دوره اسلامی مشحون از کاربرد آب در قالب چشمه‌ها، نهرها، حوض‌ها و فواره‌ها و آبشارهایی است که زیبایی باغ را صدچندان می‌کند که الهام گرفته از بهشت قرآن است. اما چنانچه دیدیم در باغ پاسارگاد آب نمادین در آبراهه‌های باریکی وجود داشته که احتمالاً ریشه در اعتقادات خاص ایرانیان در آن زمان دارد (تصویر ۱۳).

نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن اشاره شود، اهمیت بیشتر آب و کارکرد تزئینی آن در باغسازی دوره ساسانیان است. از بقایای کاخ‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت؛ شاهان ساسانی ترجیح می‌دادند کاخ‌های خود را به گونه‌ای قرار دهند که به حوض‌های بزرگی که از چشمه‌های طبیعی پر می‌شدند، اشراف داشته باشند [Moynihan, 1980: 28]. مسعودی معتقد است شاید بتوان این حوض‌ها را نیای اولیه حوض‌هایی دانست که بعداً

نتیجه‌گیری

نظریه‌پردازان منظر معمولاً باغ را در هر تمدن مظهر الگوی آرمانی زندگی در آن تمدن می‌دانند. «چارلز جنکز» با استناد به سخن برخی از نظریه‌پردازان مشهور منظر همچون «جان دیکسون هانت»، در مقاله «کمال اعلی، کاربست نظریه باغ» و همچنین «فرانسیس بیکن»^{۳۴} نظریه‌پرداز منظر مدعی است برای مطالعه الگوهای آرمانی تمدن‌ها کافی است هنر باغسازی آنها را مورد مطالعه قرار دهیم: باغ‌ها معماری کمال اعلی‌تر هستند و اوج فرایند تمدن‌ها را به نمایش می‌گذارند [۱۳۸۳: ۶۴]. در فرهنگ‌های معناگرا که به بهشت به عنوان الگوی آرمانی خود می‌نگرند باغ بازتاب بهشت خواهد بود و بنابراین در فرهنگ‌های دینی نحوه پرداخت باغ‌های مهم و بزرگ از جنبه‌های گوناگون آیینی اندیشه‌ها و باورهای مردمان هر دوره از زندگی آرمانی در بهشت براساس اعتقادات دینی است. باغ ایرانی نیز در هر دوره بازتاب اندیشه‌های شکل‌دهنده و وجوه مثلی آن است.

در این مقاله تمایزات کالبدی بین کهن‌ترین باغ ایرانی که شواهدی از آن باقیمانده با مظاهری از باغ‌های ایرانی بعد از اسلام در قالب تقسیم‌بندی پلان باغ، نمادپردازی حرکت آب و شیب‌بندی زمین و مکانیابی کاخ در دو نمونه شاخص باغ پاسارگاد و باغ فین مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شد تا با ریشه‌یابی در اندیشه‌های سازنده آن، نقش برجسته باورهای اعتقادی در شکل‌گیری باغ به عنوان طرحی از بهشت ایده‌آل تبیین شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد تفکر رایج در ثبوت و تداوم شکل باغ ایرانی مورد تردید است و کالبد باغ ایرانی در دوره مورد بحث، تحت تأثیر مبانی اعتقادی زمان خود قرار دارد.

یکی از اشکالاتی که به الگوی بهشتی برای باغ‌های دوران اسلامی می‌گیرند، آن بود که این الگویی ایرانی است و قرآن متأثر از فرهنگ ایرانی الگوسازی را کرده است، اما تمایزات کالبدی بین باغ‌های ایرانی در دو دوره قبل و بعد از اسلام تمایز این دو الگو و ناسازگاری آنها را نشان می‌دهد.

این مطالعه تلاش کرد تا به شیوه‌های پدیدارشناسانه، بین دو نمونه از باغ-الگوهای هخامنشی و اسلامی تمایزاتی کاملاً بارز را آشکار سازد و تا حد امکان نشان دهد الگوی کلی فراگیری باغ ایرانی در تاریخ پرفراز و نشیب ایران، دستخوش تحولات وسیعی شده است. مطالعه میزان تداوم یا تحول بین دو الگوی ساسانی و دوران اسلامی پژوهش مهمی است که گام بعدی این تحقیق را شکل خواهد داد.

۱۲/۷۹

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله «مهبوش عالمی» در مقاله «چهارباغ»، «عباس مسعودی» در کتاب «بازشناسی باغ ایرانی»، «آزاده شاهچراغی» در کتاب «پارادایم‌های پردیس»، «غلامرضا نعیم» در کتاب «باغ‌های ایران».
 ۲. برای مطالعه یکی از آخرین دیدگاه‌ها در این خصوص میتوان به مقاله «نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی»، فصلنامه باغ نظر، سال ششم، شماره ۱۲. صص: ۳۰-۱۷ اشاره کرد.
 ۳. بحث گسترده‌تر در مورد تحقق الگوهای معنایی در باغ‌های اسلامی را به مقاله‌ای دیگر از مؤلفان واگذار می‌کنیم.
 ۴. دو تک بنای A (در جنوب شرقی بوستان و B (در ۱۲۰ متری شمالشرقی «کاخ دروازه») مرکز نقل این محوطه خرم بوده و خیابان‌های پهن و ظاهراً پردرخت این تک ساختمان‌ها را به کاخ‌های دیگر پیوسته است. تک ساختمان A که استروناخ از آن به کوشک A یاد کرده اطاقک مستطیل (۷/۹ × ۱۰/۵ متر) داشته که سقف آن بر دو ستون استوار بوده و در شرق و غرب دو ایوان کوچک یک ستونی و در شمال و جنوب رواقی چهار ستونی داشته و تک بنای B یا کوشک B دارای اطاقکی چهار ستونی به وسعت ۱۲×۱۰ متر بوده و دو ایوان شرقی و غربی نیز چهار ستون بوده، اما ایوان‌های شمالی و جنوبی هر یک دو ستون داشته است. امروزه چیزی جز بقایای بستر اولیه (کف اولیه) و در برخی موارد کف دوم این کوشک‌ها چیزی از آنها باقی نمانده است [میراث جهانی پاسارگاد: www.pasargadae.ir]
 ۵. در سفر پیدایش چنین آمده است نهری از بهشت جاری شد تا باغ عدن را سیراب کند و از آنجا به چهارشعبه تقسیم شد که یکی پیروز و دومی جیحون و سومی هیدکل و چهارمی فرات نام گرفت [آربری، ۱۳۳۶: ۴۰۳].
 ۶. البته «شایگان» در کتاب «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» با اشاره به جهان‌شناسی ایران قدیم در رساله بندهشن که مرکز جغرافیای اساطیری را «خورنه» معرفی می‌کند، به تقسیمات چهارگانه بر اساس مدت ۸۰۰ ساله رشد کوه البرز (کوه اساطیری و محور جهان) در خورنه اشاره کرده است: ۲۰۰ سال طول کشید تا به ستارگان برسد، ۲۰۰ سال تا به ماه برسد، ۲۰۰ سال تا به خورشید راه یابد و ۲۰۰ سال تا به اوج روشنی‌های بی‌پایان برسد [۱۳۸۸: ۱۹۳].
 ۷. ویراف به طبقات گوناگون بهشت رفت. نخست به ستاره پایه رسید که در آنجا اندیشه نیک پذیرایی می‌شود. در آنجا روان‌ها فروغشان مانند ستارگان است، درخشان و پرشکوه بر تخت نشستند. در طبقه بعدی یعنی ماه پایه روان‌هایی هستند که از گفتار نیک پذیرایی می‌کنند گرچه این روان‌ها احتمالاً همه دستورهای دینی زرتشت را انجام ندهاند جای آنان در بهشت است. زیرا کارهای خوب بسیار انجام داده‌اند و فروغشان مثل ماه است. سومین طبقه خورشید پایه است که در آنجا به فرمانروایان خوب به سبب آنکه با اعتقاد به وظیفه دشوار خود عمل کرده‌اند پاداش می‌دهند. چهارمین طبقه گرودمان است که در آنجا بهمن یعنی اندیشه نیک بدو (ویراف) خوشامد می‌گوید و او را به حضور اهورامزدا می‌برد [قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۹].
- گرودمان در فرهنگ اساطیر ایرانی خانه ستایش، محل سرودها و روشنی‌های بی‌پایان، چهارمین و بالاترین طبقه بهشت آمده است که در روشنی بیکران جای دارد و جای اقامت اورمزد و امشاسپندان است. ظاهراً گرودمان دارای طبقاتی است زیرا طبق روایت پهلوی در آن پایه هر که ثوابش بیشتر باشد پس جایش بالاتر است و

- آنکه جایش پایین تر است او را که جای بالاتری دارد، احترام می‌کند. در گرودمان، سرود و نوایی خوش پیوسته به گوش می‌رسد. نیکوتن و دلاوران در آنجا زندگی می‌کنند. آتش بلندسود در آنجا جای دارد. گرودمان بسیار درخشنده است. جایگاه انسان پرهیزگار است که تمامی دستورات زرتشت را رعایت کرده است [همان: ۳۴۹].
۸. و نیز رشد چهار مرحله‌ای کوه البرز در رساله بندهشن.
۹. این موضوع در نوشتار دیگری با موضوع میزان تطابق الگوی باغ ایرانی بعد از اسلام با باغ بهشت قرآنی توسط نگارندگان به تفصیل بررسی شده است.
۱۰. در منابع دین زرتشتی به زبان پهلوی از دو جهان نام برده می‌شود: یکی گیتی یعنی جهان خاکی و دیگر مینو دنیایی که فراتر از عالم مادی است و دیده نمی‌شود. در هر دو عالم خوب و بد وجود دارد. ثنویت از اعتقادات اصلی در دین زرتشت است [آسموسن، بی تا: ۱۱۴-۱۱۳].
۱۱. در یشت پنجم اوستا در ستایش رود آسمانی اردیسورا ناهید به آب اهدا شده است و آناهیتا به عنوان تجسم آسمانی و زمینی آب در جهان بینی زرتشتی مطرح است [شاهچراغی، ۱۳۸۷: ۱۰۰].
۱۲. نظر به تقدسی که ایرانیان برای آب قایل بودند آلوده کردن آب با پلیدی‌ها را گناه به حساب می‌آوردند [همان: ۱۰۱].
۱۳. از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن راجع به بهشت ایده جنات تجری من تحتها الانهار است. مطابق این الگو پیوند عمیق بین نهرهای بهشت با کوشک آن برقرار است، در حالی که در الگوی باغ پاسارگاد اولاً عرض آبراهه‌ها آنقدر کم است که نمی‌توان آن را نهر دانست و ثانیاً جهت و راستای آن به کوشک میانی ختم نمی‌شود و عمود بر آن است. در حالی که در باغ‌های دوران اسلامی آبراهه‌های میانی که گاه عریض و نهرگونه می‌شوند از مقابل کوشک و گاه از زیر کوشک در جریانند (فین، شازده دولت آباد و ...).
۱۴. در کتاب «بشر و باغ‌هایش» از قول اوستا نقل شده است که اهورامزدا هنر ساختن بهشت وعده داده‌اش را به تصویر می‌کشد: هر کس که این باغ را بسازد، رابط با نور اهورامزدا می‌شود. برای اینکه بهشت از گزند اهریمن در امان باشد باید آن را آبیاری کرده و هزارگونه مواظبت از آن به عمل آورند. دور آن را محصور کنند چون همیشه از سوی اهریمن در معرض خطر است [همان: ۱۳۹].
۱۵. باغ فین مجموعه‌ای شکلیافته در ادوار تاریخی است. پیش از شکل‌گیری باغشاه نو (باغ فین) در مکان جدید در نزدیکی مظهر چشمه سلیمانیه (پیش از سال ۹۸۲ ه.ق) باغ کهنه که هنوز ویرانه‌هایش در چندصدمتری باغ فین به چشم می‌خورد، در مکانی دورتر نسبت به چشمه سلیمانیه وجود داشته است. البته هیچ‌گونه اطلاع صریح و قطعی از اوضاع تاریخی این منطقه در آن دوران کشف نشده است و لیکن در قرون اسلامی نخستین بار شکل‌گیری باغ را به آل‌بویه نسبت می‌دهند و گسترش آن را مرهون ایلخانیان می‌دانند [نراقی، ۱۳۷۴].
۱۶. روایت شده که رسول خدا فرمودند: وقتی از خدا درخواست می‌کنید، فردوس را بخواهید که در وسط بهشت و بر نقطه بلند آن قرار دارد. فوق آن عرش رحمان است و نهرهای چهارگانه بهشت از آنجا جاری می‌شود [طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۶۷۶].
۱۷. رک به پی‌نوشت ۴
۱۸. مطالعه تحول باغ ایرانی از دوره ساسانی به اسلام، پژوهش گسترده و دقیق دیگری نیاز دارد که هدف این مقاله نیست.
۱۹. زمانی که جریان آب در باغ به دلیل کم بودن آن به اندازه‌ای نیست که بتواند کرت‌ها را به طور غرقابی آبیاری کند، آب در استخری جمع شده و بعد از آن دفعاتاً و با سرعت در نهرها جاری می‌شود.
۲۰. چشمه‌های آب جاری از جمله توصیف زیبایی باغ‌های بهشتی است. در قرآن کریم دو بار از معجزه حضرت موسی در جاری کردن دوازده چشمه آب یاد کرده است (بقره: ۶۰ و اعراف: ۱۶۰)؛ [انصاری و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۴۴].
۲۱. کلمه کوثر در آیه *إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ* (کوثر: ۱) را به معنای نهری در بهشت و حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت دانسته‌اند [همان، ۱۳۸۵: ۴۵].
۲۲. کلمه غرفه به معنای خانه زیبایی است که در بلندی قرار دارد و در آن دریاچه‌هایی به منظره باشد. همچنین برخی غرفه را نام بالاترین منزل‌های بهشت دانسته‌اند [الخزایی، ۱۳۷۶، ج ۱۴: ۲۹۲].
۲۳. برای مطالعه بیشتر به مقاله «نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی»، مجله باغ نظر، شماره ۱۲، سال ششم مراجعه شود.
۲۴. Francis Bacon

فهرست منابع

- ابن بطوطه. ۱۳۱۷. *تحفه النظر فی غرایب الامصار و عجایب الاسفار (سفرنامه)*. ت: محمدعلی موحد، تهران: انتشارات بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
- استروناخ، دیوید. ۱۳۷۰. *شکل‌گیری باغ‌های سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایرانی*. مجله اثر، شماره ۲۳-۲۲.
- استروناخ، دیوید. ۱۳۷۹. *پاسارگاد، ت: حمید خطیب شهیدی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
- آسموسن، ج.پ. بی‌تا. *اصول و عقاید و اعتقادات دیانت زرتشتی*. ت: فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آربری، آرتور. (ویراستار). ۱۳۳۶. *میراث ایران*. ت: گروه مترجمین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الخزایی النیشابوری، احمد. ۱۳۷۶. *روض البیان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- انصاری، مجتبی. محمودی نژاد، هادی. ۱۳۸۶. *باغ ایرانی تمثیلی از بهشت*. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹.
- بهار، مهرداد. ۱۳۸۷. *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۸. *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: انتشارات آگاه.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۳. *باغ‌های ایرانی*. مجله آبادی (۴)، شماره ۱۵.
- جنکز، چارلز. ۱۳۸۳. *گفتگوی طبیعت با طبیعت*. ت: سولماز زعیمدار، مجله معماری و فرهنگ ۵ (۱۷).
- جیحانی، حمیدرضا. عمرانی، محمدعلی. ۱۳۸۶. *باغ فین*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- دوستخواه، جلیل. ۱۳۸۵. *اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*. جلد دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- سکویل وست، ویکتوریا. ۱۳۴۳. *باغ‌های ایران*. ت: احمد بیرشک، مجموعه مقالات میراث ایران اثر آربری. اچ و دیگران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شاهچراغی، آزاده. ۱۳۸۷. *پارادایم‌های پردیس*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- شایگان، داریوش. ۱۳۸۸. *بت‌های ذهنی و خاطره ازلی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳. *تفسیرالمیزان*. ت: محمد باقر مؤسس همدانی، تهران: انتشارات رجا.
- عالمی، مهوش. ۱۳۸۵. *باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها*. ت: محسن جاوری، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۵.
- قلی‌زاده، خسرو. ۱۳۸۷. *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*. تهران: نشر پارسه.
- گروتز، یورگ. ۱۳۷۵. *زیباشناختی در معماری*. ت: جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مسعودی، عباس. ۱۳۸۸. *بازشناسی باغ‌های ایرانی*. تهران: نشر فضا.
- منصوری، سید امیر. حیدرنتاج، وحید. ۱۳۸۹. *تقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی*، فصلنامه باغ نظر ۶ (۱۲): ۳۰-۱۷.
- میرفندرسکی، محمدامین. ۱۳۸۰. *باغ در مفهوم باغ*. نشریه هفت شهر ۲ (۳).
- نعیم، غلامرضا. ۱۳۸۵. *باغ‌های ایران*. تهران: انتشارات پیام.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی میراث جهانی پاسارگاد به نشانی: www.pasargadae.ir

Reference list

- Alemi, M. (1986) Chahar bagh, *Environmental Design. Journal of the Islamic Environmental Design Resaerch Center*, 1: 38-45.
- Alemi, M. (1997). The Royal Gardens of the Safavi Period: Types and Models. In *Gardens in the Time of the Great Muslim Empires; Theory and Design* (pp 72-96). Edited by. Petruccioli, A. Leiden: Brill.
- Alemi, M. (2006). The Gardens of Safavid era: patterns and types, Translated by Mohsen Javery, *Golestan Honar Journal*, (5).
- Alkhazai Alneyshabouri, A. (1997). *Roz Albayan va Rouh Aljanan fi Tafsir AlQuran* [Rod spirit of the declaration and jinan in the interpretation the Koran]. Mashhad: Islamic Research center of HOSTING.
- Ansari, M. & Mahmoudi Nejad, H. (2007). Bagh-e Irani, tamsili az behesht [Persian Garden, A symbol of Paradise], *Journal Honar-ha-ye- Ziba*, 29.
- Arbery, A. (Editors). (1957). *Iran Heritage*. Translated by Group of Translators, Tehran: Translating and Publishing Firm.
- Asmosen, J.P. (n.d.). *Principals & Believes of Zoroastrian Religion*. Translated to Farsi by Fereidoon Vahman, Tehran: Iran Cultural Center.
- Bahar, M. (2008). *Az ostoore ta tarikh* [From Myth to History]. Tehran: Cheshmeh Publications.
- Bahar, M. (2008). *Pajuheshi dar asatir-e Iran* [A Research in The Mythology of Iran]. Tehran: Agah Publications.
- Doostkhah, J. (2006). *Avesta, kohantar in sorudhay-e Iranian* [Avesta, oldest Iranians' Poets]. Volume II. Tehran: Morvarid Publications.
- Gholizadeh, Kh. (2008). *Farhang-e asatire Irani bar payey-e motun-e pahlavi* [Iranian Mythology Culture Based on Pahlavi Literature]. Tehran: Parseh Publications.
- Grutter, Y. (2006). *Aesthetic in Architecture*, Translated by Pakzad, J & Homayoun, A. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Ibn Battuta. (1938). *Tohfato Alnezar fi Gharayeb Alamsar & Ajayeb Alasfar* (Itinerary). Translated to Farsi by Movahhed, M. Tehran: Translating and Publishing Firm.
- Jencks, Ch. (2004). The Dialogue of Nature with Nature, Translated by Solmaz Zaimdar, *Journal of Memari va Farhang*, 5 (17): 100-106.
- Jeyhani, H. Omrani, M.A. (2007). *Bagh-e fin* [Fin Garden], Tehran: Institute of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism.
- Mansouri, A. & HeydarNattaj, V. (2010). Naqdi bar farziy-e olguy-e chaharbagh dar sheklgiri-e bagh-e Irani [A Critical Study on the Chaharbagh Theory in Creation of The Persian Gardens]. *Journal of Bagh-I-Nazar*, 6(12): 17-30.
- Masuodi, A. (2009). *Bazshenasi-e baghhay-e Irani* [Recognition of Iranian Gardens], Tehran: Faza Publications.
- Mirfendereski, M. (2001). Bagh dar maffhum-e bagh [Garden in Garden Concept]. *Journal of Haft Shahr*, 2(3): 4-13.
- Moynihan, E. (1980). *Paradise as a garden in Persian and Mughal India*, London: Scolar press.
- Naima, Gh. (2006). *Baghhay-e Iran* [Iranian Gardens]. Tehran: Payam Publications.
- Noghrekar, A. (2008). *Dar amadi bar hoviat-e islami dar memari* [Introduction to Islamic Identity in Architecture]. Tehran: Department of Housing and Urban.
- Pirnia, M. (1994). Baghhay-e Irani [Iranian Gardens]. *journal of Abadi*, 4(15).
- Seckolwest. V. (1964). *The Gardens of Iran*, Translated by Ahmad Byarshk, A. Articles collection of the Iran Heritage by Arbery. H & others. Tehran: Translating and Publishing Firm.
- Shahcheraghi, A. (2008). *Paradise Paradigms*, Tehran: Jahadi daneshgahi.
- Shaygan, D. (2009). *Bothay-e zehni va khaterey-e azali* [Mental idols and eternal memory]. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Stronach, D. (1990). *Chaharbagh*. In the *Encyclopedia Iranica*. (Vol. IV, Fasc. 6: 624-625). New York: encyclopaedia iranica foundation.
- Stronach, D. (1991). *Formation of Pasargad Royal Gardens and Their Impact on Iranian Gardens*. *Asar journal*, No. 22-23.
- Stronach, D. (2000). *Pasargad*. Translated by Khatib Shahidi, H. Tehran: Cultural Heritage organization, The First Printing.
- Stronah, D. (1991). *The Garden as a Political Statement: Some Case Studies from Near East in the first Millenium B.C*. *Bullet of the Asia Institute in Honor of Richard Nelson Frye; Aspects of Iranian Culture* (vol 4:171-180). Iowa: Iowa State University Press.
- Tabatabai, M. H. (1984). *Almizan Interpretation*, Translated by Moases Hamedani, M. Tehran: Raja Publications.
- <http://www.pasargadae.ir/> (Accessed 05 November 2010).

Influence of ideas and ideals on Persian garden structures

Case study: “Pasargad Garden” from Achaemenid period and “Fin Garden” from Islamic period

Razieh Labibzadeh*
Mahdi Hamzehnejad**
MohammadAli Khanmohammadi***

Abstract

According to common belief, the Persian garden has always had a fixed identity throughout history. Nevertheless, more accurate studies have shown fundamental differences between the first Iranian garden (Pasargad garden) and gardens of the Islamic period. It seems that these differences are rooted in the beliefs and aspirations of people who had built them. The current research will try to address those differences in terms of their nature and the ideas they are based on. It will also deal with theoretical principles that lead to these differences.

The objective of this research is to show that the gardens are mostly meant to represent the ideas and beliefs of people more than showing the geographical and historical varieties. The research will also try to show how the core structures of gardens have changed as a result of a change in religious beliefs that include ideals and aspirations of people.

To attain those objectives, the researchers have employed the phenomenology method (sample to concept) to investigate the differences between Pasargad garden and gardens of the Islamic era. They have also tried to identify the roots of differences between the structures of gardens according to the beliefs of their architects before and after the advent of Islam.

According to results of this research, the most important differences are: 1- Organized divisions in the garden plan 2- Symbolized movement of water and 3- Slope designs of the terrain and the positioning of the pavilion.

Although terrain conditions are very important in the designing of gardens but water paths design, palace position and landscapes can be conscious, symbolic and concept-based. In three above factors, the factor of concept has a higher importance. It seems that the differences between garden structures are symbolic aspects and are rooted in ideal paradise patterns of each religion. This research has tried to recognize many of those differences by considering the notion of “the ideal human relationship with nature” in the beliefs of Islam and Zoroastrianism.

۱۶/۷۵

Keywords

Persian Garden, Paradise, aspiration, Zoroastrianism, Islam.

.....

*. Ph.D. Candidate of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

r.labibzadeh@gmail.com

** . Ph.D. Candidate of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

hamzenejad@iust.ac.ir

***. Assistant Professor in College of Architecture and Urbanism, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

khanmohammadi@iust.ac.ir